

سوال

خضر فرشته است یا پیامبر یا ولی؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

شیخ شنقیطی رحمه الله در تفسیر آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی کهف **فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا** (پس بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم) می‌گوید:

«اما از برخی آیات اینطور فهمیده می‌شود که منظور از **رحمت** یاد شده، نبوت است و این علم لدنی علم وحی است... از قوی‌ترین ادله بر این که رحمت و علم ذکر شده در آیه که خداوند با آن بر بنده‌اش خضر منت نهاده، از طریق نبوت و وحی است، این سخن پروردگار متعال است که می‌فرماید: **وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي** [کهف/ ۸۲] (و این کارها را خودسرانه انجام ندادم)، یعنی آن را به امر الله جل و علا انجام داده‌ام، و بدیهی است که امر خداوند از طریق وحی متحقق می‌شود چرا که هیچ راهی جز وحی نیست که بتوان از طریق آن به اوامر و نواهی پروردگار پی برد، به ویژه در مسائلی مانند کشتن یک نفس در ظاهر بی‌گناه و معیوب کردن کشتی مردم؛ زیرا تجاوز به جان و مال مردم صحیح نیست مگر آنکه به دستور پروردگار و از طریق وحی او باشد و خداوند راه‌های هشدار را به وحی محدود ساخته است: **قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ** [انبیاء/ ۴۵] (بگو من شما را فقط به وسیله‌ی وحی هشدار می‌دهم) و لفظ **إنما** برای حصر است» أضواء البیان (۴/ ۱۷۲-۱۷۳).

ایشان همچنین می‌گویند:

«... با همه‌ی این‌ها دانسته می‌شود که کشتن آن نوجوان توسط خضر و سوراخ کردن کشتی توسط وی و این سخن او که **این کارها را خودسرانه انجام نداده‌ام** دلیلی آشکار بر پیامبری اوست. فخر رازی در تفسیر خود قول به پیامبری خضر را به اکثریت علما نسبت داده. یکی از شواهد پیامبری او، تواضع موسی علیه الصلاة والسلام برای اوست، آنجا که می‌فرماید: **هَلْ أَتَبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا** (آیا تو را به شرط آنکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی، پیروی کنم؟) و آنجا که می‌فرماید: **سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا** (مرا ان شاء الله شکبایا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد) و این سخن خضر خطاب به او که: **وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا** (و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟) [کهف/ ۶۶ و ۶۹ و ۶۸] أضواء البیان (۳/ ۳۲۶).